



روز

کلیدواژه: یوم ، روز.

پرسش: روزهای خدا برابر ۱۰۰۰ سال است یا ۵۰۰۰۰ سال؟

و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می شمارید! (آیه ۴۷، سوره حج) [۱]
امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می شمیرید به سوی او بالا می رود. (آیه ۵، سوره سجده) [۲]

فرشتگان و روح (فرشته مقرب خداوند) به سوی او عروج می کنند، در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است! (آیه ۴، سوره معارج) [۳]
بالاخره کدام درست است؟

پاسخ: واژه "یوم" یا "روز" در معانی مختلفی به کار گرفته می شود که هر کدام، معنای خاص خود را داشته و می توان عباراتی را مشاهده نمود که در آن، از این واژه و یا هر کلمه دیگری؛ چندین بار و هر بار به یک معنا استفاده شده باشد، بدون این که هیچ تناقضی در این عبارات پدید آید، چون در متناقض بودن دو جمله، باید هشت جهت مشترک بین آن دو وجود داشته باشد که در مورد پرسش شما این گونه نیست؛ زیرا آیه اول درصدد نشان دادن صبر و تحمل خداوند بوده و آیه دوم، به زمان هر مرحله از نزول و صعود اوامر و تدابیر الهی اشاره می نماید و آیه سوم، نشانگر مدت زمان واقعه قیامت است که در چندین مرحله اتفاق خواهد افتاد.

فهرست مندرجات

- ۱ - بخش های مختلف پرسش
- ۲ - معنای واژه "یوم"
- ۳ - شناخت شرایط تناقض
 - ۳.۱ - نمونه ای از کلمات عادی مردم
 - ۳.۲ - ب. نمونه ای از آیات قرآن کریم
 - ۳.۲.۱ - آیه ۱۶۳ سوره اعراف
 - ۳.۲.۲ - آیه ۱۹ سوره قمر
 - ۳.۲.۳ - آیه ۲ و ۶ و ۷ سوره حاقه
 - ۴ - اثبات متناقض نبودن آیات
 - ۵ - اطلاق همه روزها به خداوند
 - ۵.۱ - آیه ۴۷ سوره حج
 - ۵.۱.۱ - مطرح نبودن زمان برای خداوند
 - ۵.۱.۲ - زمان و شناساندن مطلب
 - ۵.۱.۳ - معنای زمان از دیدگاه انسان
 - ۵.۲ - آیه ۵ سوره سجده
 - ۵.۲.۱ - آیه ۴ سوره معارج
 - ۵.۲.۲ - روایتی از امام صادق
 - ۶ - نکته پایانی
 - ۷ - پانویس
 - ۸ - منبع

بخش های مختلف پرسش

پاسخ به پرسش، باید در سه محور دنبال گردد که عبارتند از:

۱. بررسی معنای "یوم" یا "روز"؛
۲. شناخت شرایط تناقض؛
۳. آیا آیات بیان شده، متناقض اند یا خیر؟

معنای واژه "یوم"

قبل از هر چیز، باید در واژه "یوم" دقت نماییم. در کتاب های لغت عربی برای یوم، معانی مختلفی بیان شده که برخی از آنها عبارتند از:

۱. از طلوع آفتاب تا غروب آن؛
۲. تمام ۲۴ ساعت شامل شب و روز؛
۳. مطلق زمان؛
۴. نعمت؛
۵. حادثه و اتفاق (واقعه) و ... [۴]

همان گونه که ملاحظه می نمایید، این کلمه، دارای معانی متعددی است که با توجه به قراین و شواهد موجود در جملات، می توان به معنای مورد نظر دست یافت. بر این اساس نمی توان تنها به این دلیل که این واژه، در جمله ای، به مقدار مشخصی از زمان تعبیر شده و در جمله ای دیگر، مقدار دیگری از زمان را مد نظر داشته است، این دو جمله را با هم متناقض بنهیداریم.

شناخت شرایط تناقض

برای این که دو جمله با هم متناقض باشند، باید از هشت جهت با هم مشترک باشند و اگر حتی دو جمله به ظاهر متناقض، از هفت جهت با هم مشابه بوده و تنها در یک جهت با هم اختلاف داشته باشند، نمی‌توان گفت که آن دو با هم متناقض‌اند. این هشت جهت عبارتند از: موضوع یا نهاد، محمول یا گزاره، **مکان**، زمان، اضافه، جزء و کل، شرط، قوه و فعل (که برای اطلاع بیشتر در این زمینه می‌توانید به کتاب‌های **منطق** مراجعه نمایید).

← ا. نمونه‌ای از کلمات عادی مردم

به عنوان نمونه، اگر در دو جمله بیان نماییم که:
ا. "هر روز ۲۴ ساعت است"; ب. "روز نوروز ۱۳ روز است"، کسی ما را به تناقض‌گویی **متهم** نخواهد نمود؛ زیرا روزی که در قسمت اول عبارت دوم به کار رفته به معنای مطلق زمان است، نه ۲۴ ساعت. بر این اساس دو جمله بیان شده، وحدت در موضوع ندارند تا موجب تناقض در گفتار شوند و این همانند آن است که در موردی مشابه بگوییم که:
ا. "امتحانات ۱۵ روز به طول خواهد انجامید". ب: "در روز امتحان هیچ غیبتی موجه نخواهد بود" که واژه "روز" ابتدا به معنای روز ۲۴ ساعته و سپس به معنای مطلق زمان به کار رفته است که می‌تواند بیش از ۲۴ ساعت در نظر گرفته شود و این عبارت نیز از لحاظ ادبی و منطقی، دارای هیچ مشکلی نخواهد بود. چنین کاربردهای مختلفی از یک واژه، در کلمات عادی مردم بسیار رایج بوده و نظر به این که **قرآن کریم** نیز به زبان مردم نازل شده، در بسیاری از موارد، از همین شیوه استفاده نموده است. به عنوان نمونه در آیه‌ای می‌خوانیم:

← ب. نمونه‌ای از آیات قرآن کریم

← ۱. آیه ۱۶۳ سوره اعراف

" **اذ یعدون فی السبت اذ تاتهم حینانهم یوم سبتهم شرعا و یوم لا یستونون لا تأتیم** "؛ [۵] زمانی که **بنی‌اسرائیل** نافرمانی نمودند، چون ماهیان دریا **روز** شنبه (که صید ماهی در آن ممنوع بود) در دسترس بوده و روز غیر شنبه از محوطه آنان خارج می‌شدند. دقت نمایید که در این آیه، واژه "یوم" دو مرتبه به کار رفته، که اولین بار به معنای یک روز عادی، یعنی روز شنبه بوده و برای بار دوم، جهت تمام روزهای غیر از شنبه از آن استفاده شده که شامل شش **روز** می‌شود و با این وجود، تناقضی در این آیه مشاهده نمی‌شود. موردی دیگر از همین نوع را در آیات زیر مشاهده می‌نماییم:

← ۲. آیه ۱۹ سوره قمر

خداوند می‌فرماید: " **انا ارسلنا علیهم ریحا صرصرا فی یوم نحس مستمر** "؛ [۶] ما در روز شومی، **قوم عاد** را دچار تندبادی سهمگین ساختیم.

← ۳. آیه ۶ و ۷ سوره حاقه

و در آیه‌ای دیگر، این‌گونه تعبیر شده که: " **و اما عاد فاهلکوا بریح صرصر عاتیه. سخرها علیهم سبع لیل و ثمانیه ایام حسوما...** "؛ [۷] و اما قوم عاد با تندبادی سهمگین و مهیب نابود شدند که خداوند آن **طوفان** بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز بر آنان مسلط نمود ...

اثبات متناقض نبودن آیات

هیچ منصفی نمی‌تواند بیان دارد که چون **آیه** اول گفته که این تندباد در یک روز بوده و آیه بعد آن را هشت روز دانسته است، در این آیات تناقض وجود خواهد داشت! چون با اندک تأملی در این آیات درمی‌یابیم که مراد از واژه "یوم" در آیه اول، مطلق زمان است و آیه دوم به روز ۲۴ ساعته نظر دارد و به همین دلیل، هرچند این کلمه، در دو معنای متفاوت به کار رفته، ولی متناقض نمی‌باشد.

اطلاق همه روزها به خداوند

اکنون به‌خاطر روشن نمودن این که تمام روزهای زمینی و آسمانی، روزهای خداوند می‌باشند، به بررسی آیاتی می‌پردازیم که مورد پرسش شما قرار گرفته است:

← ۱. آیه ۴۷ سوره حج [۸]

در مورد هشدار به کافرانی است که همواره از **پیامبر** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - درخواست می‌نمودند که برای اثبات **نبوت** و راست‌گویی خود، **عذاب** الهی را برای آنان نازل نماید و با این درخواست خود، می‌خواهند چنین وانمود نمایند که اگر عذابی نازل نشد، پس پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - در ادعای پیامبری خود (نستجیر بالله) **صادق** نیست!
در همین راستا و به منظور پاسخ‌گویی به این **مشرکان**، خداوند بیان می‌دارد که هرچند شما عجول باشید، ولی در کار خدا عجله نیست و هزار سال شما برای خدا همانند یک روز است! (همان‌گونه که به **قوم نوح** نیز نزدیک به هزار سال فرصت داده شد). [۹] بر همین اساس در **آیه** بعد بیان شده که چه‌بسا مناطقی که با وجود **ستمکار** بودن اهالی آن، مهلت زیادی به آنها دادیم ... [۱۰]

← مطرح نبودن زمان برای خداوند

هر شخصی که با فن سخنوری اندک آشنایی داشته باشد، می‌داند که هزار سال در این آیه، هیچ خصوصیتی نداشته؛ بلکه تنها برای نشان دادن آن است که خداوند در عذاب دشمنانش هیچ شتاب و عجله‌ای ندارد؛ همچنان‌که دو هزار سال و بیشتر هم برای خدا همانند یک **روز** است؛ چون اساساً زمان برای خدا مطرح نیست.

← زمان و شناساندن مطلب

مواردی از این دست که به زمان اشاره شده، تنها به منظور شناساندن مطلبی بوده و مقدار دقیق آن مد نظر نیست، در آیات قرآن به فراوانی به چشم می‌آید از جمله:

ا. **همانا قیامت** برای ما همانند یک چشم برهم زدن و یا کمتر از آن می‌باشد. [۱۱]

ب. اجرای **ستورات** ما در مدتی همانند یک چشم بر هم زدن انجام می‌شود. [۱۲]

ج. **آفرینش** و برانگیختن تمام شما، همانند آفرینش تنها یکی از شما خواهد بود [۱۳] و....

← معنای زمان از دیدگاه انسان

تمام آیاتی که این‌گونه بیان شده‌اند، نشانگر این معنا و مفهوم می‌باشند که چون بشر در محدوده زمانی مشخص و اندکی **زندگی** می‌نماید و از قدرت محدودی نیز برخوردار است، نمی‌تواند چگونگی رفتار خداوند را دریابد؛ بلکه آن را با معیارهای خود ارزیابی می‌نماید؛ اما اگر همین انسان از حصار زندگی دنیوی خارج شود، زمان و مکان برای او معنای دیگری خواهد داشت؛ همان‌گونه که در **روز قیامت** و با ملاحظه وسعت زمانی آن، خود او می‌پندارد که تمام مدت زندگی دنیوی او، بیشتر از یک شب یا یک روز نبوده است! [۱۴]

← ۲. آیه ۵ سوره سجده [۱۵]

این آیه در ارتباط با چگونگی **تدبیر عالم** آفرینش توسط خداوند است که هرچند، ما از تمام رازها و اسرار آن هرگز آگاه نخواهیم شد، ولی در این آیه، با اشاره مختصری به آن، بیان شده که آمدن امر الهی از آسمان به **زمین** و بازگشت مجدد آن به آسمان، در هر مرحله، هزار سال دنیوی به طول خواهد انجامید و این آیه منحصر به روز قیامت نبوده، بلکه اکنون نیز، تمام آفریدگان تحت پوشش **تدبیر** و امر الهی می‌باشند.
بر این اساس آنچه در این آیه به آن اشاره شده، تنها زمان انجام هر مرحله از اوامر الهی است و دقیقاً بیان نشده که در **دنیا** چند مرحله از آن اتفاق افتاده و روز قیامت و دنیای **آخرت** در چندین مرحله آن خواهد بود!

← ۳. آیه ۴ سوره معارج [۱۶]

اما آخرین آیه‌ای که به آن اشاره نمودید، یعنی آیه چهارم سوره معارج، در مورد قیامت می‌باشد. در این آیه، بیان نشده که روز خداوند پنجاه هزار سال است، تا موجب تناقض با آیات قبل گردد؛ بلکه این آیه، تنها اعلام می‌نماید که حادثه قیامت پنجاه هزار سال به طول می‌انجامد. [۱۷] به عبارتی، واژه "یوم" در این آیه، به

معنای حادثه و اتفاق می‌باشد که قبلاً به آن اشاره نمودیم. بر این اساس می‌توان در نظر گرفت که **واقعه** قیامت که در سوره **معارج** پنجاه هزار سال اعلام شده، شامل پنجاه مرحله باشد که هر مرحله آن به مقتضای آنچه در سوره‌های دیگر بیان شده، برابر با هزار سال عادی است و در هر مرحله نیز فرشتگان صعود و نزول می‌نمایند.

بدین شیوه، بدون هیچ مشکل منطقی و ادبی، این آیات را می‌توان تأویل و تفسیر نمود.

← روایتی از امام صادق

روایتی از امام صادق - علیه‌السلام - نیز چنین تفسیری را تأیید می‌نماید! ایشان می‌فرمایند: همانا قیامت پنجاه مرحله دارد که هر مرحله آن هزار سال می‌باشد. [۱۸]

نکته پایانی

نتیجه نهایی، آن است که چون این آیات، در موضوعات جداگانه‌ای نازل شده و وحدت موضوع ندارند، هیچ تناقضی با هم نداشته و در راستای هم می‌باشند و علاوه بر دلایلی که در این زمینه ارائه شد، نکته دیگری نیز وجود دارد که بیان آن خالی از لطف نیست و آن این‌که هرچند سوره **حج** در مدینه نازل شده است، اما سوره **سجده** و سوره **معارج** هردو مکی بوده و دشمنان پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - که دائم درصدد تکذیب ایشان و نکته‌گیری از آیات **قرآن** بوده‌اند، چنین تناقضی را از این آیات برداشت نمودند و می‌دانیم که حتی اگر مردم **عرب** آن زمان را از تمام جنبه‌ها افرادی عقب‌افتاده فرض نماییم، اما شکی نیست که آنان از حیث سخنوری و سخنندانی، از بسیاری مردم **جهان** آن روز، پیشرفته‌تر بودند و نمی‌توان ادعا نمود که آنان ظرفیت علمی شناخت چنین تناقضی را نداشته و یا این‌که تمام آنان از حافظه ضعیفی برخوردار بوده و آیات قبلی را به فراموشی سپرده باشند!

و در **اعجاز قرآن** همین بس که علی‌رغم **دعوت** خداوند به تنظیم یک سوره مشابه با آن، بشر، تاکنون نتوانسته به چنین دعوتی پاسخ گوید و تلاش‌های بی‌هوده‌ای که گاه در این زمینه انجام پذیرفته، سرانجام با شکست روبه‌رو شده است.

پانویس

۱. ↑ حج (۲۲)، آیه ۴۷. 
۲. ↑ سجده (۲۲)، آیه ۵. 
۳. ↑ معارج (۷۰)، آیه ۴. 
۴. ↑ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۴۹ به بعد. 
۵. ↑ اعراف (۷)، آیه ۱۶۳. 
۶. ↑ قمر (۵۴)، آیه ۱۹. 
۷. ↑ حاقه (۶۹)، آیه ۶ و ۷. 
۸. ↑ حج (۲۲)، آیه ۴۷. 
۹. ↑ عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴. 
۱۰. ↑ حج (۲۲)، آیه ۴۸. 
۱۱. ↑ نحل (۱۶)، آیه ۷۷. 
۱۲. ↑ قمر (۵۴)، آیه ۵۰. 
۱۳. ↑ لقمان (۳۱)، آیه ۲۸. 
۱۴. ↑ نازعات (۷۹)، آیه ۲۶. 
۱۵. ↑ سجده (۲۲)، آیه ۵. 
۱۶. ↑ معارج (۷۰)، آیه ۴. 
۱۷. ↑ ابن شهرآشوب، منشا به القرآن، ج ۲، ص ۱۰۶، دار بیدار للنشر، ۱۳۶۹ ه ق.
۱۸. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۱۴۳، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه ش. 

منبع

پایگاه اسلام کوئست. 

رده‌های این صفحه : **قرآن‌شناسی** | **تفسیر** | **تضاد آیات**